

◆ مقدمه

اعلامیه حقوق بشر و شهروند (۱۷۸۹) در فرانسه، به عنوان مهمترین منبع برای درک معنای امروزی حقوق شهروندی به آزادی بسیار توجه شده است. در مواد اول و دوم این اعلامیه بر آزادی تاکید بسیار شده است. ماده یک می گوید: انسانها آزاد به دنیا می آیند و آزاد می زیند و در برابر قانون برابر هستند و ماده دوم در بیان حقوق طبیعی و مستدام انسان از آزادی، مالیکت، امنیت و مقاومت در برابر ظلم نام می برد.

با نگاهی به سایر منابع مربوط به حقوق شهروندی معلوم می شوند که این آزادی تنها به عنوان یک امر بسیط نیامده است و به انواع و شاخه هایی تقسیم شده است.

در این میانه به ذکر چند نمونه از این آزادی ها اشاره می کنیم که ارتباط نزدیک تری با بحث نیز دارند.

◆ ۱- آزادی تن

نخستین و شایع ترین مفهومی که از آزادی به ذهن می رسد آزادی جسمی است. انسان باید حق سکونت و رفت و آمد و معاشرت با دیگران را داشته باشد. هرگونه قید و محدودیتی در این زمینه مخلف با حق طبیعی زندگی آزاد است. ولی بالاترین قیدها زندان و تبعید و اقامت اجباری و اسارت است. هیچ موجود زنده ای اسارت و قید و بند مادی را پذیرا نمی باشد. این آزادی، امنیت شخصی است و زندگی زمانی کامل است که با امنیت و اختیار در رفت و آمد همراه باشد و بدون آن زندگی مفهومی ندارد!

برای جمعی از روشنفکران و آرمان گرایان، اندیشه و قلم و زبان در بند نیز به اندازه جسم در بند دردناک و ناخوشایند است ولی این اعتقاد شایع نیست در حالی که درد اسارت و زنجیر در پای را در همگان در می یابند. وانگهی بندیان جسمی رفته رفته روشنی ذهن و اندیشه را از دست می دهند و اندکند آزدگانی که روحی



حقوق شهروندی و زندان

محمد صالح مفساح

دانشجوی کارشناسی معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)

بخش دوم و پایانی

بزرگ را در جسمی اسیر می‌پرورند^۲. ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۳ موید همین معناست.

چهارم، باید مقررات دقیق و همه جانبه ای درباره نیرومندترین وسایل انتقال جمعی یعنی رادیو تلویزیون، البته در چارچوب حقوق و آزادی‌ها تدوین گردد^۴.

هر چند قانون اساسی در اصل ۴۲ به بیان آزادی در نشریات و مطبوعات اشاره کرده است اما از آزادی دریافت اطلاعات به صراحت در قانون سختی به میان نیامده است^۵. اما روشن است که این دو امر مکمل یکدیگرند و یکی بدون دیگری ارزشی ندارد. نه آزادی انتشار بدون آزادی دریافت ارزشی دارد و نه آزادی دریافت اطلاعات بدون آزادی انتشار کاربردی دارد. این در حالی است که به طور طبیعت امکان اطلاع از اخبار و نیز دریافت کتب مجاز در زندان محدود و گاه ممنوع است و گاه به صورت استثنایی به عنوان امتیاز و تشویق امکان دسترسی به این امکان‌ها فراهم خواهد بود^۶.

◆ ۴- آزادی کار

این آزادی قسمی است از آزادی‌های فردی که به موجب آن، شخص می‌تواند نیروی کار و هنر خود را به دیگری اجاره دهد^۷. بر همین اساس بهره‌کشی (استثمار^۸) استفاده فرد یا گروهی از تلاش‌ها و خدمات فرد یا افراد دیگر^۹ مردود شمرده می‌شود. این بهره‌گیری شامل بردگی، کار اجباری، کار طاقت فرسا و بهره‌برداری‌های غیر عادلانه نیروی انسانی است که در طول تاریخ روابط ظالمانه‌ای را به وجود آورده است. در اسلام نیز کار اجباری و استثمار دیگران رد شده است^{۱۰}.

در گذشته و به خصوص در حقوق جزای کلاسیک (در نوشته‌های جرمی بنتام متجلی است) کار اجباری به عنوان یکی از مجازات‌های اصلی مطرح بوده است و آن را به زندانی تحمیل می‌کردند تا فرد ترس از مجازات آنها را از جرم بازدارد و در صورت انجام جرم، اجرای این مجازات آنها را به کارگرانی وظیفه‌شناس و منظم بدل کند^{۱۱}.

هدف‌های اقتصادی نیز در این میان اهمیت بسیار داشته است تا دولت را در مقابل بازار آزاد به پیروزی برساند و با کارگرانی چنین ارزان قیمت، سود فراوانی دریافت کند اکنون نیز اگرچه آن هدف اولیه چندان وجود ندارد، اما کار برای اصلاح و بازپروری زندانیان هنوز کاربرد دارد^{۱۲}.

اصل بر این است که جرم محدودیت در آزادی رفت و آمد نباید مجازات دیگری بر زندانی تحمیل شود چرا که خلاف اصل بودن این محدودیت اقتضا دارد تا به حدود اجازه قانونگذار اکتفا شود و از تحمیل مجازات اضافی خودداری شود^{۱۳}. به قول الکساندر پاترسون «زندان‌ها خود تنبیه‌اند و نه برای تنبیه»^{۱۴}.

حتی در دوران مدرن نیز که سمت سوی مجازات‌ها از سمت تعذیب جسمانی به محدودیت آزادی روحی، تبدیل یافته است کار اجباری بسیاری موارد جریان دارد^{۱۵} و حتی در برخی موارد (به خصوص در گذشته) مزدی نیز از قبل

در گذشته و به خصوص در حقوق جزای کلاسیک (در نوشته‌های جرمی بنتام متجلی است) کار اجباری به عنوان یکی از مجازات‌های اصلی مطرح بوده است و آن را به زندانی تحمیل می‌کردند تا فرد ترس از مجازات آنها را از جرم بازدارد و در صورت انجام جرم، اجرای این مجازات آنها را به کارگرانی وظیفه‌شناس و منظم بدل کند

◆ ۲- آزادی انتخاب مسکن

هر کس حق دارد مسکن خود را انتخاب کند و محل سکونت او مصون از تعرض باشد. اصل بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این مورد تصریح دارد: حیثیت، جان، مال، حقوق و مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. باید توجه کرد که تجویز قانون استنا زدن بر اصل است و باید تا آنجا که ممکن است اصول قواعد و ضوابط اساسی از دست اندازی و تغییر دور بماند والا به استهجان نزدیکتر خواهد شد.

در این صورت باید اذعان کرد که زندان‌های طولیل‌المدت یکی از مصادیق استثنائات وارد بر این حق بشر است که او را به هجرت و سیر در جهان تشویق کرده است به خصوص آنکه محیط زندان بسیار گناه‌انگیز و فسادانگیز است و باید برای انسان راهی برای رشدش فراهم کرد و این با زندگی در محیط بسته زندان هماهنگی ندارد.

◆ ۳- آزادی اخبار و اطلاعات

یکی از حقوق شهروندی آزاد اخبار و اطلاعات است این حق مشتمل بر سه نوع آزادی است: اول یکایک شهروندان حق دارند به درست‌ترین و صادقانه‌ترین اخبار و اطلاعات داخلی و خارجی دسترسی داشته باشند. دوم، آزادی مطبوعات آزادی چاپ و نشر، آزادی ایجاد موسسات انتشاراتی جزء لاینفک اینگونه آزادی‌هاست. سوم، باید حتی المقدور سانسور مطالب ممنوع باشد و بوسیله قوانین و مقررات سنجیده‌ای اجازه داده نشود تا روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌ها به قدرت‌های مالی وابسته باشند.

کار نصیب فرد نمی شده است جز در موارد پاداش! که در برخی موارد یک دهم کار به او تعلق می گرفته است.^{۱۶} در لایحه مجازات های اجتماعی جایگزین زندان نیز به کار اجباری به عنوان یک مجازات جایگزین و گاه تکمیلی اشاره کرده است. هرچند که فوایدی همچون ارتباط فرد با جامعه و حفظ خانواده نیز در این موارد متصور است، اما مغایرت اجبار محکوم به انجام کار عمومی با اصل آزادی کار و اصل آزادی تجارت و صنعت به جای خود باقی است، زیرا مطابق مقررات بین المللی انجام کار اجباری و بیگاری ممنوع شناخته شده است. از سوی دیگر در صورت تخلف محکوم، از انجام کار دادگاه او را به زندان بسته باز می گرداند.^{۱۷}

اصل بر این است که جرم محدودیت در آزادی رفت و آمد نباید مجازات دیگری بر زندانی تحمیل شود چرا که خلاف اصل بودن این محدودیت اقتضا دارد تا به حدود اجازه قانونگذار اکتفا شود و از تحمیل مجازات اضافی خودداری شود. به قول الکساندر پاترسون «زندان ها خود تنبیه اند و نه برای تنبیه»

◆ ب: اصل شخصی بودن مجازات

از آثار قانونی بودن جرم و مجازات، آن است که مجازات فقط نسبت به شخص مجرم اعمال گردد و سایر افراد را به دلیل جرم دیگری مجازات نکنند «ولا تکسب کل نفس الا علیها و لا تزر وازره وزر اخری»^{۱۸}.

هیچ کس عمل (بدی) جز به زیان خویش انجام نمی دهد و هیچ گناهکاری گناه دیگری را تحمل نمی کند. ایه فوق دو اصل مسلم منطقی را که در تمام ادیان وجود داشته است را بیان کرده است: یعنی هیچ کس جز برای خود عمل انجام نمی دهد و هیچ گناهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد.^{۱۹}

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل ۳۶ نیز اشعار می دارد که مجازات باید تنها از طریق مراجع قضایی صالح و لزوما باید به موجب قانون بر مرتکب اعمال شود. بند دوم ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر همین امر تاکید کرده است: هیچ کس به خاطر انجام یا عدم انجام عملی که در حین ارتکاب به موجب قوانین ملی یا بین المللی جرم شناخته نشده است نباید مجرم شناخته شود (و مجازات کرد).

هرچند یک بخش طبیعی و غیر قابل اجتناب از آثار مجازات بر اطرافیان شخص بزهکار وارد می آید اما این امر در مورد مجازات حبس به حدی است که نمی توان آن را مقتضای عدالت دانست. تأثیرات فقدان فرد بزهکار در میان

خانواده، دوستان، آشنایان و همکاران بسیار شدید است چه تأثیرات روانی - معنی و چه تأثیرات مادی.^{۲۰} نگارنده بر این نظر است که این مجازات با حقوق سایر افراد تعارض دارد. چرا که فقدان یک نفر در جامعه (به خصوص در مدت طولانی) اثرات و سختی های زیادی را بر اطرافیان او وارد می کند. در تعهدات شخص بزهکار نسبت به افراد دیگر موثر است و آن را قابل فسخ می کند یا به مدت زیادی عقب می اندازد، حقوق افراد واجب النفعه او را تضییع می کند و افراد تحت پوشش او را در مضیقه قرار می دهد.

◆ ج: خانواده و حمایت دولت از بقای آن

خانواده، قدیمی ترین و مهمترین گروه اجتماعی است. چرا که از آغاز زندگی بشر وجود داشته است و بقای نسل سالم بشری به ادامه آن بستگی دارد. خانواده هسته اجتماعی است و نخستین اجتماعی است که فرد در آن پای می گذارد و آداب زندگی و اصول و رسوم اجتماعی و تعاون و از خودگذشتگی را در آن می آموزد.

کسانی که از حمایت خانواده برخوردار نیستند بی پناهند و در معرض فساد و تباهی و بیهودگی قرار می گیرند. کودکانی که بدون خانواده بزرگ می شوند دارای کمبودهای عاطفی و اخلاقی فراوانی هستند. زن و مردی که از کانون گرم خانواده بی بهره اند اغلب با فساد و تیره روزی هم آغوشند.^{۲۱}

پژوهش های متعدد نشان داده است که میان اختلال در عملکرد طبیعی خانواده و بالا رفتن بزهکاری اطفال رابطه ای روشن برقرار است.^{۲۲} و نیز افزایش نرخ طلاق در تبهکاری بسیار موثر است.^{۲۳} این تبعیت آماری به خصوص درباره بزهکاران به عادت و بزهکاری های سنگین بیشتر است.^{۲۴}

اهمیت اجتماعی خانواده باید مجرم قانونگذار در حمایت از آن باشد. هر قاعده ای که قانونگذار در این باره می آورد می تواند در تحکیم یا تضعیف آن موثر باشد بنابراین در زمینه خانواده قانونگذار باید با احتیاط کامل عمل کند و از هر اقدامی که به ضعف خانواده منتهی شود بپرهیزد.^{۲۵}

قانون اساسی در اصل دهم ۲۶ بر جایگاه اجتماعی خانواده به عنوان واحد بنیادین جامعه در نظام اسلامی تاکید ورزیده است و تشکیل و پاسداری از قداست آن را بر پایه موازین حقوقی و اخلاقی اسلامی خواستار شده است.^{۲۷}

ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر در این باره می گوید:
۱- هر زن و مرد بالغی حق دارد بدون هرگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با یکدیگر ازدواج کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن زن و شهر در کلیه امور مربوط به ازدواج دارای حقوق برابر هستند.

۲- ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع

شود.

۳- خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره مند شود.

زندان منجر به قطع رابطه زندانی با زندگی عادی، خانواده، کار و دوستان می شود مستمرا به فروپاشی کانون خانوادگی منجر و فرد را در محیطی مصنوعی که به معنی واقعی ضد اجتماعی است قرار می دهد.^{۲۸}

علاوه بر جنبه های عاطفی و روحی، مشکلات جنسی نیز یکی از مشکلاتی است که در زندان ها وجود دارد. برای رفع این اشکال، اقدامات و طرح هایی در کشورهای غربی تدارک گردیده است که چندان نتوانسته است آنچنان که شاید و باید به نیازهای افراد پایان دهد یا سامان ببخشید. مثلا در مورد ملاقات همسران برخی از کشورهای آمریکای لاتین از جمله آرژانتین و برزیل و در برخی از کشورهای اسکاندیناوی مثل دانمارک به تجربه هایی دست یازیده اند.^{۲۹} در برخی کشورها نیز زندان های مختلط را به این منظور ایجاد کرده اند که از منظر اسلامی بطلاش واضح و خود امری ضد هنجار است. با همه این تدابیر افزایش ناهنجاری های اخلاقی و جنسی در زندان، نشان از خطایی دارد که در سازمان و اداره زندان ها وجود دارد که نمی تواند فرایند بازگشت مجرمین به اجتماع را تسهیل کند.

در بسیاری از کشورها برای حل این مشکل و ایراد اساسی نهادهای مجازات حد واسط (پروبییشن) را تقویت کرده اند.^{۳۰} پروبییشن اعمال برنامه های مراقبیت شدید، حبس در منزل و کنترل الکترونیکی، آزمایش مواد مخدر، گزارش روزانه به مراکز مربوطه و کمپ های آموزشی را شامل می شود.^{۳۱} هدف از این گونه مجازات ها کم کردن فاصله مجرم و جامعه است و این کاهش اثرات سوء زندان را به دنبال دارد.^{۳۲}

◆ نتیجه گیری

آنچه تاکنون ذکر شد بخشی از تعارضات ذاتی زندان با حقوق شهروندی بوده است اما تعارضات به این موارد ختم نمی شود بخشی از تعارضات نیز با نظامات حاکم بر زندان بر افراد تحمیل می شود. مثلا در بحث راجع به حریم خصوصی باید دید که آیا با نظامات کنونی حاکم بر زندان ها آیا جرمی اختصاصی افراد زندانی محترم شمرده می شود یا خیر؟ آیا نامه ها و مکتوبات زندانی خصوصی باقی می ماند؟ آیا دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی افراد صورت می گیرد یا خیر؟ یا آنکه دادرسی عادلانه از طریق مراجع صالح در زندان ها رعایت می شود یا خیر؟ آیا تنبیهات معمول بر زندان ها با کرامت انسانی و ممنوعیت شکنجه و نیز قانونی بودن جرم و مجازات همهانگ است؟ این ها مواردی است که در طی دوران محکومیت در زندان با زندانی همراه است و حقوق شهروندی او را تهدید می کند.

با این وجود این همه عارض ذاتی و عارضی آیا هدف از زندان تامین می شود؟ آیا هدف از قوانین حقوق بشری و حقوق شهروندی تامین می شود؟ به نظر می رسد که نمی توان دیگر به صراحت گذشته سخن از کارایی مجازات زندان داد و منتظر بود تا زندان به کانونی برای اصلاح و تربیت انسان ها و حایی برای ندامت شان از کردار ناشایست تبدیل شود و او را برای بازگشت به زندگی سالم رهنمون گردد.

از این رو با در نظر گرفتن این مسایل باید بار دیگر تقارن توجه به حقوق شهروندی و جایگزینی مجازات های دیگری به جای حبس را به فال نیک گرفت و توجه قوه قضاییه را در این باره ستود و انتظار تحولات تازه ای را در نظام قضایی به سوی جامعه صالح انتظار کشید.

پی نوشت ها

- ۱ طباطبایی موتمنی، همان ص ۴۹
- ۲ کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، ص ۲۳۴-۲۳۵
- ۳ *Toute personne a le droit de circular librement et de choisir sa residence a linterieur dun Etat*
- ۴ دکتر ابوالفضل قاضی، بایسته های حقوق اساسی، ص ۱۵۰.
- ۵ اصل ۴۲: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مغل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می کند.
- ۶ برای مثال مراجعه کنید به آئین نامه اعطای مزایا و تشویق زندانیان مصوب ۱۳۴۷ و ماده ۱۳۴۶ آئین نامه مصوب ۱۳۵۴
- ۷ جمفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۲۲
- ۸ Exploitation
- ۹ هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۴۸
- ۱۰ علی علیه السلام: «و لست ان اری اجبر احدا عمل ان یرکه»
- ۱۱ علی صفار، کیفرشناسی، ص ۱۸۱
- ۱۲ اردبیلی، محمد علی، کار در زندان و نقش آن در بازپروری زندانیان، ص ۲۲۰
- ۱۳ صفار، همان، ص ۱۸۳
- ۱۴ تامیم، استفان، وضعیت زندان ها، مجموعه مقالات زندان ها د هزار سوم، ص ۳۰
- ۱۵ فوکو، میشل، تولد زندان، مراقبت و تنبیه، ص ۲۶ و ۲۷
- ۱۶ هومن، احمد، زندان و زندانی ها یا رژیم پنی تانسیر، ص ۱۴۵
- ۱۷ نجفی ایرند آبادی، علی حسین، جزوات درسی، ص ۵۴۹
- ۱۸ سوره انعام آیه ۱۶۴
- ۱۹ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ششم ص ۸۵
- ۲۰ مارک آنسل، همان، ص ۸۸
- ۲۱ صفایی، سید حسین و امام، اسداله، مختصر حقوق هانواده، ص ۱۵
- ۲۲ دیوید ایبراهامسن، روان شناسی کیفری، ص ۳۸ تا ۶۶ و ریموند گسن، همان ص ۱۸۳
- ۲۳ ریموند گسن، همان ص ۱۲۵
- ۲۴ همان ص ۱۸۸
- ۲۵ صفایی و امامی، همان ص ۱۷
- ۲۶ اصل دهم قانون اساسی، از آنجا که خانواده واحد بنیادی خانواده اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.
- ۲۷ عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اساسی ایران، ص ۳۳۸
- ۲۸ مارک آنسل، همان ص ۸۸
- ۲۹ همان ص ۸۹
- ۳۰ کالن، فرانسیس تی و دیگران، زندان ها در بحران، مجموعه مقالات زندان در هزاره سوم، ص ۵۶
- ۳۱ همان ص ۵۷
- ۳۲ تامیم، استفان، همان ص ۳۱